

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از عشق‌ری
فرستنده: محمود شاداب
۱۹ اکتوبر ۲۰۱۸

[حدیث افسانه دوش]

در عالم کثرتی، به کثرت میجوش
مجبوری کنون که در سرِ بازاری
بسیار ضرر ز خمر با من برسید
خواهی که تو در پرده عفت باشی
در دور حیاتِ خود پریشان نشوی
از حالِ سخنوران اگر آگاهی
با مردم دردمند گستاخ مباش
جائی که ستاده ام ببیند ناستد*
با داغ بُتان اگر بسازی چندی
در جیبِ خود عشق‌ری اگر سربچی
چون واصل وحدت شدی می باش خموش
هرچیز فروش لیک خود را مفروش
گویند که می بنوش، زنهان منوش
بیرون نروی ز خانه ات بی سرپوش
این پند اگر کنی تو آویزه گوش
سودت ندهد حدیثِ افسانه دوش
مخراش دلِ دلشدگان را به فروش
از بسکه رمد ز من به وحشت آهوش
سر تا قدمت عشق بسازد گلپوش
مقصود تو سر بر آورد از آغوش

نایستد *